

یک مرد برای ۲ جبهه؛

سعی بین صفای جبهه ایران و مروه جهاد افغانستان

جهاد، مقدس است، در افغانستان باشد یا ایران و یا هر کجای جهان، فرقی نمی‌کند. مسلمان، «جهان وطن» است و مدافع حق. مسلمان، طرفدار حق و دفاع از مظلوم است، حالا هر کجا که می‌خواهد باشد. مسلمان «جستجوگر شهادت» است به هر سرزمین که نقش کربلا بیابد. فرقی نمی‌کند، همانطور که امام حسین (ع) با آخرین «هل من ناصر» خویش تکلیف همه زمین‌ها را کربلا و رسالت همه زمان‌ها را عاشورا نوشت، تکلیف همه انسان‌ها را هم جهاد نوشته است و دفاع از حق و با این نگاه، هر کس می‌تواند و باید خود را به «کربلا»، به عاشورا و به سیدالشهدا برساند، چنانکه «محمد موسی قندهاری» خود را رساند، اوایی که به سال ۱۳۳۱ در قندهار زاده شد و قد کشید وقتی با هجوم ارتش سرخ، دیار خود و کشور خود را در چنگ کمونیسم دید که برای «عبودیت» در آن فضا تنگ است، دل و تن به هجرت سپرد تا در ایران، «بندگی خدا» را پی گیرد، بندگی که با جهاد به اوج می‌رسد، لذا دوره آموزش‌های نظامی و عقیدتی را فرا می‌گیرد، تا نام او نیز در فهرست مجاهدان، ارزشی مضاعف بیابد و در سال ۶۰ به عنوان یک بسیجی جهان وطن مسلمان راهی جبهه‌ها می‌شود. شهید قندهاری، باور خویش را زندگی می‌کرد. باوری به نام «انما الحیة عقیده و جهاد» را باوری که او را میان جبهه‌های ایران و افغانستان، مثل حاجی در سعی بین صفا و مروه به تکاپو وامی‌داشت، تکاپویی عاشقانه سرانجام، با شهادت، به قرار نهایی رسید...

فرمانده شهید محمد موسی قندهاری

شهید محمد موسی قندهاری، متولد ۱۴۳۱ خورشیدی، در افغانستان. همزمان با تهاجم شوروی، به ایران مهاجرت می‌کند. با توجه به دستگیری برادر بزرگترش از سوی حکومت وقت افغانستان راه او را برمی‌گزیند و زیر نظر استادان ایرانی دوره‌های آموزش نظامی و همزمان آموزش‌های عقیدتی و فرهنگی را فرا می‌گیرد.

در سال ۱۳۶۰ به عضویت بسیج درمی‌آید و در همان سال به صورت داوطلبانه راهی جبهه می‌شود. شهید قندهاری، در طول یک سال حضور مداوم خود در جبهه‌های جنوب و غرب ایران، در عملیات‌های آزادی خرمشهر، رمضان، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱ و ۲ و مسلم بن عقیل شرکت می‌کند. در واحد تخریب در خنثی‌سازی مین‌های معابر نقش موثری را ایفا می‌کند. بعد از مدتی به افغانستان برمی‌گردد و به زادگاهش شهر قندهار می‌رود. در قندهار با گردآوری مجاهدین چند عملیات را فرماندهی می‌کند و میادین مینی را که به زعم نیروهای شوروی تسخیرناپذیر می‌نماید، یکی پس از دیگری خنثی می‌کند. قندهار اما زمان زیادی شاهد رشادت‌های او نیست و محمد موسی قندهاری در ۲۱ مهر ۱۳۶۴ به کاروان عظیم شهدا می‌پیوندد.

شهید قندهاری در زمان حضورش در جبهه در مصاحبه‌ای انگیزه اش را چنین بیان می‌کند: «... انگیزه من از رفتن به جبهه‌های ایران دفاع از حق علیه باطل و دفاع از اسلام و

گسترش خط امام است. آموختن درس ایثار و شهادت طلبی از این مکتب و عشق به رهبر جهان اسلام است. اگر خواست خداوند متعال بود و زنده ماندم بتوانم خدمات بیشتری برای صدور انقلاب اسلامی در افغانستان بکنم و اگر شهید شدم به آرزوی نهایی خود رسیده‌ام. تصمیم داشتم به جبهه افغانستان بروم ولی شرایط برای من مهیا نبود با انگیزه این که اسلام مرز ندارد و فرقی بین جبهه‌های ایران و افغانستان نیست، تصمیم گرفتم که به جبهه ایران بروم...»

شهید قندهاری در قسمتی از وصیت نامه اش چنین می‌نویسد: «شما ای دوستانم اطاعت از امام امت امید مستضعفین جهان کنید. از اختلاف بپرهیزید و دیگران را به وحدت دعوت کنید و همیشه در هر جایی که هستید خدا را در نظر داشته باشید... مادر، تا وقتی جهاد و مبارزه است فکر نکن من در کنار باشم. تا وقتی ظلم و تجاوزگری است ما باید در مقابلش بایستیم و از حق خود دفاع کنیم. اگر امروز انقلاب افغانستان به پیروزی رسید آیا لبنان مسلمان نیست؟ آیا یک عده ملت لبنان که در زیر چکمه‌های صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها خرد و له می‌شوند مسلمان نیستند؟ آیا فقط آزادی افغانستان مرام ماست؟ بدان مادر که مرام و مقصد ما به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام در سراسر گیتی می‌باشد و تا این پرچم به اهتزاز در نیاید مبارزه هست و تا مبارزه هست و ما زنده ایم، باید جهاد کنیم و باید بکشیم و کشته شویم چون این راه را از امامان خود آموخته ایم»

